۲۹٥- ای سميّ ذبيح

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۲۹٥- ای سميّ ذبيح

ای سميّ ذبيح، جانفشانی کار تست و شتافتن بقربانگاه عشق سزاوار تو تا مظهر و فديناه بذبح عظيم گردی. اين سبيل سبيل حقّست و عشق و محبّت جمال مطلق جانبازيست و تحمّل صد هزار بلايا و جان گدازی در قرآن ميفرمايد أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلوا الجَنَّة وَ لَمّا يَأْتِکُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوا مِنْ قَبْلِکُمْ مَسَّتْهُمُ البأساء و الضّرّاء. حضرت نقطه اولی و حضرت جمال ابهی اسم اعظم کبريا در آغوش بلا جميع ايّام را بگذراندند ديگر چگونه ما توانيم تصوّر راحت و آسايش نمائيم مگر بکلّی چشم از وفا بپوشيم و راه جفا پيمائيم. خدايا آنچه برای اسم اعظم مقدّر و مقرّر فرموده بودی اين عباد را جامی از آن صهباء بنوشان و سرمست بگردان تا پی آن يار مهربان گيريم و بملکوت ابهی صعود کنيم انّک انت الکريم الوهّاب و انّک انت الرّحمن الرّحيم.

